

خبرنامه جنبش

دموکراتیک، سوسیالیستی و اجتماعی مردم ایران

اعتصاب شش روزه کارگران نیشکر هفت تپه

صدها کارگر شرکت نیشکر هفت تپه از روز شنبه ۱۸ آذرماه به مدت شش روز در اعتراض به پرداخت نشدن پنج ماه دستمزد و حق بیمه به اداره تأمین اجتماعی- از سوی کارفرمای خصوصی این شرکت، دست به اعتصاب زدند. در روزهای اول اعتصاب، کارفرما وعده پرداخت حداقل بخشی از مطالبات کارگران را داده بود تا از ادامه اعتصاب به هر نحوی جلوگیری کند ولی کارگران به دلیل آشنا بودن به ترفندهای کارفرما در جلوگیری از ادامه اعتصاب، به وعده ایشان اعتنایی نکردند و به اعتصاب خود ادامه دادند. آنچه که در این اعتصاب حائز اهمیت بود و تأثیر به سزایی روی آن گذاشته بود حضور زنان کارگر شرکت نیشکر هفت تپه در این اعتصاب بود. با اینکه در بخش‌های مختلف اعتصابات کارگری که در نقاط مختلف ایران اتفاق می افتد، معمولاً خانواده‌ها هم در آن شرکت می‌کنند تا بتوانند مدیریت و کارفرما را زیر فشار بگذارند، ولی شرکت زنان کارگر نیشکر هفت تپه در این اعتصابات شش روزه تأثیر به سزایی داشت، چنانکه حضور زنان در کنار مردان کارگر به ائتلافی این اعتصاب منجر گردید. آنجا که صحبت چند دقیقه‌ای زن کارگر نیشکر هفت تپه ثابت کرد که آگاهی طبقاتی و طرح مطالبات صنفی جنسیت نمی‌شناسد؛

برادرهای عزیز و محترم

ما تا الان خواسته‌مان طلب حقوقمان بود. ۵ ماه حقوق نگرفته‌ایم، مایی که رسمی بودیم. آن‌هایی که قراردادی بودند که خیلی بیشتر. آن‌هایی که روزمزد بودند خیلی بیشتر. آن‌هایی که پیمانی بودند خیلی بیشتر. از حالا به بعد حقوق نمی‌خواهیم، از حالا به بعد حرف ما رفتن افشار است. از حالا به بعد واگذاری شرکت از بخش خصوصی به بخش دولتی.

تا زمانی، تا زمانی که کسی پاسخگوی کارگران هفت تپه و خانواده‌هایشان نباشد، کار در این شرکت تعلیق است. از فردا اعتصاب به فرمانداری منتقل می‌شود.

ما پنج تا زن بودیم دیروز، پنج تا زن بودیم دیروز، با بستن جاده توانستیم انقلابی ایجاد کنیم که خبرمان به فرمانداری و استانداری و به تمام بخش‌های کشوری، به وزارت، به همه برسد.

کار ما ثمربخش نیست جز زمانی که شما تمامی برادران پشتوانه ما باشید!

به گفته سندیکای کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، رئیس هیئت مدیره این شرکت در نشست با نمایندگان کارگران در روز چهارشنبه ۲۲ آذر قول داد دستمزد شهریور ماه آنان را تا روز ۲۵ آذر و دستمزد مهرماه آنها را تا پایان آذر پرداخت کند و در عین حال با خواست کارگران برای برکناری قائممقام خود موافقت کرد. پس از آن، فرماندار و دیگر مسئولان شهرستان شوش روز پنجشنبه در جمع کارگران حاضر شدند و قول دادند که تا پایان سال ۹۶، تمامی مطالبات و دستمزدهای آنان همراه با پاداش و همچنین دستمزد سال‌های گذشته کارگران پیمانکار پرداخت خواهد شد. کارگران پیمانکار خواستار دریافت دستمزد سال‌های ۹۴ و ۹۵ خود هستند. بدین خاطر کارگران قبول کردند به‌طور موقت به اعتصاب خود پایان دهند. ولی کانال تلگرامی سندیکای نیشکر هفت تپه اعلام کرده است که بعد از وعده‌های امیر اسد بیگی مبنی بر پرداخت دستمزدهای عقب افتاده و عدم اجرای این وعده‌ها، کارگران نیشکر هفت تپه امروز دست به اعتراض زدند.

همچنین قرار شد که حقوق شهریور ماه کارگران قراردادی که تحت پوشش پیمانکاری اقبالی هستند پرداخت شود اما تاکنون دستمزد این کارگران که هزار نفر می‌باشند پرداخت نشده است. کارگران نیشکر هفت تپه به دلیل اجرا نشدن خواست‌های وعده داده شده، دوباره دست به اعتصاب زدند و دروازه شمالی کارخانه را بستند. دروازه‌های شمالی ورودی نیشکر به کارخانه می‌باشد. به امید تحقق مطالبات صنفی کارگران شرکت نیشکر هفت تپه.



جان رضا شهابی با بی توجهی مسئولین زندان در خطر است!

مسئولین زندان رجایی شهر با تعلل در اعزام رضا شهابی به بیمارستان جهت انجام آزمایشات پزشکی جان این کارگر زندانی را به خطر انداخته اند. علیرغم سکتة رضا شهابی در هفته گذشته مسئولین زندان از اعزام این کارگر زندانی به بیمارستان خودداری کردند تا زمانی که مجدداً رضا در ۲۵ آذر به دلیل شرایط بد جسمانی به طور اورژانسی به بیمارستان امام خمینی منتقل شد و با وجود دستور پزشک متخصص مبنی بر گرفتن نوار قلبی و مغزی و انجام اکو برای رضا مسئولین زندان بدون توجه به سلامت این زندانی دوباره وی را به زندان منتقل کردند. از روز ۲۵ آذر تاکنون علیرغم پیگیری های خانواده از دادستانی هنوز رضا شهابی



برای انجام دستورات پزشکی و رسیدگی به بیمارستان منتقل نشده است و از وضعیت وی خبری در دست نیست. این در حالی است که پزشک معالج رضا قبلاً اعلام کرده بود که این زندانی به دلیل شرایط جسمی توانایی تحمل زندان را نداشته و بایستی آزاد گردد. کمیته دفاع از رضا شهابی تعلل مسئولین زندان در رسیدگی به وضعیت این کارگر زندانی را محکوم کرده و خواهان آزادی فوری و بی قید شرط رضا شهابی و انتقال به بیمارستان و انجام معالجات مربوطه در یک محیط بدون تنش می باشد. کارگران، تشکل های کارگری و فعالین اجتماعی! جان رضا شهابی در خطر است و تعلل مقامات قضایی-امنیتی در رسیدگی به وضعیت رضا این خطر را بیشتر می کند. به هر شکل ممکن و با تمام توان و ظرفیت به تداوم وضعیت وخیم رضا شهابی، که عملاً چیزی جز جنایت نیست، اعتراض کنیم.

سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه: خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط رضا شهابی هستیم

بر اساس اخبار منتشر شده توسط سندیکای کارگران شرکت واحد، رضا شهابی کارگر و عضو هیئت مدیره سندیکای شرکت واحد، در زندان دچار سکتة شده است. خبر سکتة رضا شهابی برای کارگران و تمامی انسان های فهیم و آزادی خواه بسیار نگران کننده است. بدون شک عامل بیماری رضا شهابی تمام افرادی هستند که رضا را زندانی کرده و همچنان از آزادی او ممانعت بعمل می آورند. ما اعضای سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه اعتراض شدید خود را به ادامه زندان رضا شهابی ابراز داشته و خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط رضا شهابی هستیم. سندیکای کارگری نیشکر هفت تپه

کارفرمایان مسئولان ایمنی ناظران را اخراج می کنند

رئیس کانون مسئولان ایمنی و بهداشت کار استان تهران گفته در یک ماه گذشته در استان تهران هفت نفر از مسئولان ایمنی و بهداشت کار در کارخانه ها و کارگاه ها به خاطر اینکه گزارش های مربوط به ایمنی کارگاه را مطابق میل کارفرمایان خود تنظیم نکرده اند، بیکار شده اند. به گفته محمد گنجی کیا این اتفاق تنها در استان تهران اتفاق نمی افتد و مربوط به کل کشور است و هر ماه در کل کشور عذر تعدادی از مسئولان ایمنی به بهانه های مختلف خواسته می شود چرا که کارفرمایان آنها نمی خواهند که کوتاهی هایشان در زمینه ایمن سازی کارگاه به گوش بازرسان اداره کار برسد. به اعتقاد او مادام که رابطه مالی مستقیم میان مسئول ایمنی و کارفرمای کارگاه باشد، کارفرما تلاش می کند او را مطیع خود سازد و بارها اعلام کرده ایم که مسئولان ایمنی به خاطر اینکه حقوق بگیر کارفرمایان خودند، امنیت شغلی ندارند. با این اوصاف نمی توان هیچ امیدی به کاهش حوادث کار و جلوگیری از بروز سوانحی داشت که هر روز در حال قربانی گرفتند. گنجی کیا همچنین گفته با تشکیل یک صندوق می توان رابطه مستقیم مالی را به رابطه مالی غیرمستقیم تبدیل کرد. ایران یکی از بیشتر تعداد کشته ها و مجروحان حوادث کار را دارد و سالانه نزدیک به هزار و ۵۰۰ کارگر در ایران کشته می شوند. بسیاری از کارگاه ها و معادن کشور مسئول ایمنی ندارند و کارفرمایان به ایمنی کارگران توجهی ندارند. تعداد بازرسان کار در کشور ۸۰۰ نفر و تعداد کارگاه های بالای ۱۰ نفر رسمی، نزدیک به ۱۵ هزار عدد است. بدون دخالت مستقیم کارگران و سندیکاها بر ایمنی کارگاه ها، کار زیادی از دستگاه رخت زده و عظیم دولتی برای جلوگیری از تکرار این حوادث بر نمی آید.

پیام یکی از کارکنان نی نیشکر هفت تپه به اتحادیه آزاد کارگران ایران



ما حدود ۶۰ نفر هستیم که تو شرکت هفت تپه به صورت کارگر روز مزد توی بخش نی بری ناظر شرکت تو مزارع هستیم (مباشر نی بری یا کارمند نی بری) کار میکنیم، امروز پیگیر مطالباتمون بودیم و با توجه به مصوبه ای که توی اعتصاب صورت گرفت تعهد دادن که ما رو تبدیل به قراردادی کنن، امروز که فقط ۶۰ نفر خودمون پیگیر شدیم. خیلی راحت بهمون گفتن زیاد حرف بزنی اخراجتون میکنیم و باید روز مزد بمونید.

اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه و تجمع هزاران نفره بازنشستگان در مقابل مجلس

هفته ای که گذشت، تجمع کارگران و معلمان و دیگر مستمری بگیران بازنشسته با رنگ و رویی متفاوت از گذشته در مقابل مجلس بر پا شد. این بار تلاش مامورین امنیتی و انتظامی برای جلوگیری از شکل گیری تجمع با حضور سیل آسای جمعیت هزاران نفره به فوریت در هم شکسته شد و بیش از ده هزار بازنشسته در مقابل مجلس دست به اعتراض و تجمع زدند. همچنین اعتصاب یکپارچه و متحدانه کارگران نیشکر هفت تپه که به مدت ۶ روز با ایستادگی آنان تداوم پیدا کرد در محافل کارگری و رسانه ها بازتاب گسترده ای داشت و اثرات مهمی از خود بر جای گذاشت. آنچه که تجمع بازنشستگان در مقابل مجلس و اعتصاب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه را از تجمعات و اعتصاب پیشین آنان متمایز میکند عبارتند از:

۱- همبستگی پرشور بازنشستگان کشوری، تامین اجتماعی و لشکری و شرکت هزاران نفره آنان در تجمع و به جلو رانده شدن بیش از پیش شعارهای بی تخفیف در برابر عدم توجه دولت به خواسته هایشان.

۲- حضور و پیشگامی زنان کارگر در اعتصاب ۶ روزه کارگران نیشکر هفت تپه و نقش فعال آنها در سازماندهی اعتصاب و سخنرانی در جمع اعتصابیون.

۳- انسجام و یکپارچگی و درایت و هوشیاری کم نظیر کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در مقابل دسیسه های کارفرما برای در هم شکستن اعتصاب و قاطعیت آنان برای دستیابی به خواسته هایشان.

۴- تبدیل اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه به عصیان.

تمامی فاکتورهای فوق، حاکی از پیشروی جنبش مطالباتی کارگران و مزدبگیران شاغل و بازنشسته در برابر وضعیت مصیبت بار موجود و عزم راسخ آنها در مبارزه برای پایان دادن به آن است. خانواده های کارگران و بازنشستگان به مثابه قربانیان سیاستهای چپاولگرانه و ویرانگر دولت و سرمایه داران که بواسطه حقوق های چندین برابری زیر خط فقر و عدم پرداخت مزد در چمبره فقر و فلاکتی پایان ناپذیر گرفتار آمده اند همراه با همسران خود، مقابل مجلس و محیط کارخانه را به تصرف در آوردند و با قاطعیت از کرامت انسانی خود به دفاع برخاسته و قدرتی فزونتر به اعتراض آنان دادند. هر چند که تاکنون در بسیاری از اعتراضات و تجمعات کارگری و بازنشستگان شاهد حضور خانواده های آنان بودیم اما نقش بی بدیل همسران و زنان کارگر نیشکر هفت تپه در بستن جاده و سخنرانی جسورانه یکی از آنان، نقش پیشروانه زنان را بیش از پیش در اعتراضات کارگری و موفقیت آنها به منصفه ظهور رساند و سنت تازه ای را از خود بر جای گذاشت. در نیشکر هفت تپه این بار اعتصاب کارگران به عصیان بدل شد و علیرغم تاکید و توصیه های نماینده های کارگران به حفظ آرامش، بسیاری از آنان نقاب بر چهره کشیدند و مراکز اداری و مدیران کارخانه را خشمگینانه مورد تعرض قرار دادند. بروز این پدیده در شرکت نیشکر هفت تپه، هشدار است به سیاست گذارانی که در برخورد به طبقه کارگر ایران مانع اعتصاب و تشکل یابی آنان در محیط کار و بر پائی تجمعات اعتراضی در مقابل نهادهای مسئول میشوند و با ارباب و تهدید و ایجاد فضای امنیتی و عدم رسیدگی به خواسته های کارگران، هر گونه روزنه ای را برای حق خواهی آنان می بندند. آنچه که بیش از ده هزار نفری بازنشستگان در مقابل مجلس و اعتصاب و عصیان کارگران شرکت نیشکر هفت تپه در هفته گذشته به نمایش گذاشت بیانگر تمام شدن آخرین ذره های تحمل طبقه کارگر و عموم توده های زحمتکش مردم ایران در برابر شرایط مصیبت بار موجود است که بی تردید، در صورت تداوم سیاست سرکوب و عدم پایان دادن به شرایط مشقت بار کنونی، با سرعتی خیره کننده به سوی تلاطمات شدید و تعیین کننده اجتماعی رهنمون خواهد شد. اتحادیه آزاد کارگران ایران

کارگران خط راه آهن آذربایجان

در اعتراض به عدم پرداخت ۳ ماه حقوق وحق پایان کار تجمع کردند

کارگران قسمت خط راه آهن آذربایجان ۳ ماه است که حقوق دریافت نکرده اند و حال حق پایان کارشان نیز در هاله ای از ابهام است. یکی از کارگران راه آهن آذربایجان گفت نزدیک به ۱۰ یا ۱۲ سال است که قراردادی کار می کنیم، شرکتی که کارش تمام شده به ما بدهکار است و حقوق سه ماه و پایان کار هفت سال را از این شرکت طلبکار هستیم. این کارگر با بیان اینکه فعالیت در قسمت خط از سایر قسمت ها دشوارتر است، تصریح کرد: کارهای سخت را ما انجام می دهیم ولی تسهیلات و سنوات آن شامل قسمت های دیگر می شود و از نظر مالی همیشه در رنج هستیم، الان هم سه ماه از حقوق اصلی که قرار بود بدهند را پرداخت نکرده اند. وی ادامه داد: ما تعهد نامه ای با شرکت جدید امضاء کرده ایم چرا که به ما گفتند اگر امضاء



نکند همه شما را اخراج و جایگزین خواهیم آورد، همه کارگران هم مجبوراً امضاء کردند. این کارگر شرکت خط راه آهن در پایان تاکید داشت: اصول کار در این است که ما اول با این شرکت تسویه کنیم و بعدا به با یک شرکت دیگر قرارداد ببندیم؛ از این شرکت هر نفر نزدیک به ۱۰ میلیون تومان طلبکار هستیم و این مبلغ کمی برای یک کارگر نیست.

دادستانی تهران با مرخصی عبدالفتاح سلطانی وکیل محبوس در زندان اوین، مخالفت کرده است



وضعیت جسمانی عبدالفتاح سلطانی به دلیل شرایط نامساعد زندان و عدم دسترسی به رسیدگی درمانی وخیم گزارش شده است. معصومه دهقان همسر عبدالفتاح سلطانی پیش از این از خودداری دادستانی از صدور آزادی مشروط برای آقای سلطانی نیز خبر داده بود. شایان ذکر است؛ این اعمال غیرقانونی مانند منع آزادی مشروط و اعاده دادرسی، به احتمال قریب به یقین از طرف ضابطین پرونده سلطانی اعمال می‌گردد. عبدالفتاح سلطانی در تاریخ نوزدهم شهریورماه سال ۱۳۹۰ در مقابل دادگاه انقلاب بازداشت و تا به امروز بیش از ۲۰۰۰ روز در زندان به سر برده است. این وکیل دادگستری در دادگاه بدوی به ۱۸ سال زندان و بیست سال محرومیت از وکالت محکوم شد که در دادگاه تجدیدنظر، به ۱۳ سال زندان کاهش یافت. در نهایت، حکم آقای سلطانی در پی اعمال ماده ۱۳۴، به ده سال زندان و دو سال محرومیت از وکالت. مشارکت در تأسیس کانون مدافعان حقوق بشر و مصاحبه با رسانه‌ها درباره پرونده موکلانش، از جمله اتهام‌های آقای سلطانی بوده است.

احمدرضا جلالی با تماس تلفنی از زندان اتهامات وزارت اطلاعات را تکذیب کرد

احمدرضا جلالی پزشک و پژوهشگر در پی بخش فیلمی منتسب به «اعترافات جلالی» در پیامی از زندان اوین عنوان کرد: «بنده در هیچ‌یک از بازجویی‌ها و هیچ جای این ویدیو به انتقال اطلاعات به این گروه اروپایی اعتراف نکرده‌ام و اساسا اطلاعاتی هم در اختیار نداشته‌ام. در این فیلم فقط درخواست‌های این گروه نمایش داده شده و پاسخ‌های من به این درخواست‌ها حذف شده‌اند» این پژوهشگر می‌گوید که برای انجام فیلمبرداری، چندین ماه او را در سلول انفرادی بدون دسترسی به وکیل و بازپرس و بدون اجازه تماس با خانواده نگه داشته‌اند. او همچنین در این تماس تلفنی از ده‌ها مورد تهدید علیه خود و اعضای خانواده‌اش خبر داده است. طبق اظهارات جلالی وی را بدون رضایت مقابل دوربین قرار داده‌اند تا مطالب دیکته شده توسط ماموران وزارت اطلاعات را تکرار کند. این پژوهشگر از مدتی پیش تحت درمان با داروهای آرام‌بخش توسط پزشکان بند قرار داشته است. در این فایل صوتی جلالی می‌گوید: «درست قبل از فیلمبرداری، بازجوها لباس‌های مرا آورده‌اند و قسم خورده‌اند که بعد از فیلمبرداری و ظرف دو ساعت آزاد خواهم شد و به سوئد برمی‌گردم.» جمهوری اسلامی با پخش اعترافات ضبط شده از احمدرضا جلالی که تحت فشار روانی و سلول انفرادی درازمدت اخذ شده، مدعی شد که این پزشک و پژوهشگر زندانی در انتقال اطلاعات مربوط به چند محقق هسته‌ای ترور شده ایرانی به اسرائیل نقش داشته است. در اعترافات تلویزیونی بخش شده از احمدرضا جلالی که از سوی وزارت اطلاعات تهیه شده، این پژوهشگر زندانی عنوان می‌کند که در زمان تحصیل در اروپا، از سوی فردی برای جذب در سرویس اطلاعات خارجی در ازای دریافت شهروندی یک کشور اروپایی، پیشنهاد شغلی دریافت کرده است. در این ویدئو که ترکیبی از اظهارات آقای جلالی و یک فرد اطلاعاتی است، ادعا شده که این پزشک زندانی در انتقال اطلاعات منجر به ترور چند محقق ایرانی به اسرائیل نقش داشته است. احمدرضا جلالی، استاد و پژوهشگر مدیریت حوادث مترقبه و دارای اقامت سوئد است. او فوق دکتری خود را در رشته مدیریت بحران در دانشگاه پیه مونته ایتالیا گرفته و پس از آن به همراه همسر و دو فرزند ساکن کشور سوئد شدند. آقای جلالی در تاریخ پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۹۵ پس از سفر به ایران به قصد شرکت در یک کنفرانس علمی توسط ماموران وزارت اطلاعات دستگیر و روانه زندان اوین شد. او پس از هفت ماه بازجویی در سلولهای انفرادی بند ۲۰۹ زندان اوین به بند عمومی منتقل شد. در مهرماه سال جاری شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران برای احمدرضا جلالی حکم اعدام صادر کرد. به دنبال صدور این حکم عباس جعفری دولت آبادی مدعی شد که «یکی از اقدامات محکوم‌علیه، اعلام نشانی و برخی مشخصات سی نفر از افراد شاخص پروژه‌های تحقیقاتی، نظامی و هسته‌ای به افسران اطلاعاتی موساد بوده است.» احمدرضا جلالی در ماه آگوست نامه‌ای از داخل زندان به زبان انگلیسی نوشته که در روزهای اخیر، پس از اعلام حکم دادگاهش منتشر شد. احمدرضا جلالی در این نامه با عنوان «چرا من از سوی وزارت اطلاعات بازداشت شدم؟» به طور کامل توضیح می‌دهد که به دلیل همکاری نکردن با وزارت اطلاعات برای جاسوسی به نفع ایران بازداشت و سپس تهدید به اعدام شده است.



دستگیری سه فعال مدنی مهابادی توسط نیروهای اطلاعاتی

سه فعال مدنی مهابادی به نام‌های کبری خالندی، مصطفی ابوبکری و پویا به اتهام انتشار فراخوان تلگرامی برای برگزاری تجمع اعتراضی به کشتار کولبران، مجموعاً به ۱۳ ماه و نیم حبس محکوم شده‌اند. بر اساس این حکم کبری خالندی به دو ماه و نیم حبس، مصطفی ابوبکری به ۹ ماه حبس و پویا عادلخانی به دو ماه حبس محکوم شده‌اند. این سه فعال مدنی از سوی نیروهای پلیس اطلاعات و امنیت عمومی نیروهای انتظامی مهاباد بازداشت شدند. همینطور تعدادی از وسایل شخصی آنان ضبط شده است.

تصویب قطعنامه درباره نقض حقوق بشر در ایران از سوی مجمع عمومی سازمان ملل

مجمع عمومی سازمان ملل روز سه‌شنبه ۲۸ آذر قطعنامه اعتراض به نقض حقوق بشر در جمهوری اسلامی را که توسط کانادا پیشنهاد شده بود، تصویب کرد. رای‌گیری برای قطعنامه درباره وضعیت حقوق بشر در ایران ۲۸ آذرماه در کمیته سوم سازمان ملل صورت گرفت و با ۸۱ رای موافق، ۳۰ رای مخالف و ۷۰ رای ممتنع تصویب شد. کمیته سوم مجمع عمومی سازمان ملل پیش‌تر با ۸۳ رای موافق و ۳۰ رای مخالف قطعنامه‌ای تصویب کرد که در آن از تداوم نقض آزادی اقلیت‌های مذهبی و قومی و تبعیض سازمان‌یافته دولتی علیه اقلیت‌ها در ایران انتقاد شده بود. در قطعنامه این کمیته از آمار بالای اعدام‌ها، وضعیت بد زندان‌ها، شکنجه و بازداشت‌های خودسرانه در ایران ابراز نگرانی شده بود.

شکایت علیرضا گلی پور از مامور زندان پس از مصدوم شدن در بیمارستان

علیرضا گلی پور زندانی امنیتی محبوس در زندان اوین پس از وخامت حال و انتقال به بیمارستان مورد آزار و اذیت مامور زندان گرفت. پیرو این مساله شکایت نامه ای علیه رفتار های ناشایست این مامور تنظیم و تحویل مراجع مربوطه شد. آقای گلی پور در تاریخ ۱۹ آذرماه سال جاری بر اساس تشخیص بهداری زندان اوین، به بیمارستان شهدای تجریش اعزام شده بود. این زندانی به مدت ۸ روز در این بیمارستان در شرایط نامناسب با دستبند و پای بند در تخت بیمارستان به سر برده بود. با وجود اعتراض وکیل آقای گلی پور مسئولان زندان و دادیاری طی این مدت از خود سلب مسئولیت کرده و درباره چاره جویی نسبت به وضعیت این زندانی که دوره درمانی خود را با دستبند و پای بند میگذراند اظهار بی اطلاعی کردند. علیرضا گلی پور که از بیماری صرع نیز رنج میبرد در ۸ روزی که تحت معاینه پزشکان بوده روزانه حداقل دویار دچار تشنج شده و وضعیت بحرانی را در بیمارستان پشت سر گذاشته است. آرزینا قره بیگلر وکیل علیرضا گلی پور گفته بود: بدلیل اعتصاب غذای طولانی مدت موکلم ضمن افزایش حملات صرع، دچار مشکلات گوارشی و بیماری قلبی شده، به همین دلیل دکتر معالج نظر به اینکه تشنج های آقای گلی پور قابل کنترل نیست برکه ترخیص او از مرکز درمانی را صادر نکرده است. این وکیل دادگستری در ادامه گفت: وضعیت موکلم حاد بود و هر روز دوبار در بیمارستان دچار تشنج میشد، با این حساب هنوز هیچ حکمی مبنی بر عدم تحمل کیفری اش صادر نشده است. علیرضا گلی پور، متولد ۱۳۶۵، ساکن تهران و دانشجوی مخابرات و کارمند وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات در مهرماه ۱۳۹۱ توسط ماموران وزارت اطلاعات دستگیر و تیرماه ۱۳۹۴ به اتهام جاسوسی به نفع اجانب و به طور مشخص کشور آمریکا توسط شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی صلواتی به ۳۹ سال و ۹ ماه حبس تعزیری و ۱۷۰ ضربه شلاق محکوم شد که این حکم با اعمال ماده ۱۳۴ و تخفیف به ۱۲ سال حبس تعزیری تقلیل یافت. لازم به یادآوری است علیرضا گلی پور، عضو بنیاد ملی نخبگان کشور و دانشجوی دکتری رشته مهندسی برق در آلمان، از سال ۹۱ به خاطر جرائم امنیتی در زندان اوین به سر می برد.



رییس بهداری اوین از اعزام علی شریعتی به مراکز درمانی برای انجام جراحی لته خودداری کرده است

علی شریعتی زندانی سیاسی زندان اوین از درد شدید در ناحیه دندان رنج می‌برد با اینحال رییس بهداری زندان اوین با اعزام این زندانی سیاسی به مرکز درمانی برای انجام عمل جراحی مخالفت کرده است. خانواده علی شریعتی روز گذشته پس از ملاقات با وی تأکید کردند که صورت وی به شدت متورم است و به دلیل درد شدید قادر به خوردن غذا نیست. علی شریعتی به اتهام اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی از طریق شرکت در تجمع ۳۰ مهرماه ۱۳۹۳ علیه اسیدپاشی مقابل مجلس شورای اسلامی به پنج سال حبس محکوم شد. درخواست تجدیدنظر به این حکم نیز در شعبه ۳۳ دادگاه انقلاب رد و مجدداً حکم پنج سال حبس تأیید شد. آقای شریعتی در ۲۹ بهمن‌ماه ۱۳۹۳ بازداشت شد و در تاریخ ۲۷ اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۵ به مرخصی آمد اما در روز ۱۰ آبان سال ۱۳۹۵ دوباره بازداشت و به زندان اوین منتقل شد.



قطع شریان کولبری



عده‌ای از آن‌ها می‌میرند، عده‌ای فلج می‌شوند، عده‌ای از کار افتاده می‌شوند، عده‌ای زیر فشار بار سنگین سکنه می‌کنند... مرگ کولبران در این سرزمین نزدیک مرز طبیعی است. پسر بچه‌ها از کودکی می‌دانند اگر کار نکنند، نانی سر سفره‌شان برای خوردن پیدا نمی‌شود. آن‌ها از کودکی پدر، عمو، دایی و برادرهای‌شان را می‌بینند که با کولبری و درآوردن یک لقمه نان حلال، زندگی‌های‌شان را می‌گذارند. حرف زدن از کار و کارخانه و اشتغال در شهرهای مرزی ایران، چیزی شبیه شوخی است. داستان مرگ و معلولیت کولبران را سال‌هاست که رسانه‌ها تعریف می‌کنند و باز هم حل نمی‌شود. در تمام این سال‌ها حتی یک بار هم کلنگ ساخته‌شدن یک کارخانه در این مناطق زده نشده است... بعضی از زن‌های مریوان و سردشت که همسران‌شان در کوره راه‌های مرز گشته شدند هم برای تأمین خرج زندگی بچه‌های‌شان کولبری می‌کنند. زنان کمسن و سالی که زیر فشار بار زندگی صورت‌های‌شان، چنان پیر و شکسته می‌شود که سن‌شان را دو برابر نشان می‌دهد. از طرف دیگر پسر بچه‌هایی که در شهرهای مرزی به دنیا می‌آیند، از ۱۲ یا ۱۳ سالگی همراه با پدر یا دوستان‌شان شروع به کولبری را تجربه می‌کنند....

کردستان در نرخ بالای بیکاری زنان، رتبه نخست ایران را دارد!

مرکز آمار در آخرین گزارش خود از وضعیت نیروی کار کشور، نرخ بیکاری زنان شهری ۱۵ تا ۲۴ سال را در کردستان ۷۸,۶ درصد اعلام و از بیکاری ۶۹,۴ درصدی زنان شهری ۱۵ تا ۲۹ سال در استان خبر داد. این در حالی است که دولت‌مردان با وعده‌های فراوان هر ساله قول رفع بیکاری را به مردم کردستان داده اند، ولی تاکنون اقدامی جدی در این راستا صورت نداده اند.

تداوم بازداشت شهروندان معترض در اهواز

منابع حقوق بشری روز پنجشنبه ۲۱ دسامبر ۲۰۱۷ از بازداشت تعداد زیادی از فعالان عرب در شهر اهواز خبر دادند. به گفته منابع این افراد توسط قرارگاه امنیتی سپاه ابوالفضل العباس اهواز و به اتهام شرکت در تظاهرات اعتراضی روز جمعه ۲۴ آذر ماه که به «جمعه کرامت» نام گرفت بازداشت شدند. این تظاهرات در اعتراض به تبعیض در استخدام‌های دولتی و بکارگیری غیربومیان، مصادره زمین‌های کشاورزان روستای جلیزی دهلران، انتقال آب کارون، خشکاندن تالاب‌ها و رودخانه‌ها برگزار شده بود. دو روز پس از این تظاهرات قرارگاه امنیتی «ابوالفضل عباس» در اهواز اقدام به احضار و بازداشت بسیاری از فعالان عرب کرده است. طبق این گزارش بازداشت‌های بی‌رویه و خارج از چارچوب قانونی هنوز هم ادامه دارد. فعالان حقوق بشر اهوازی با تأیید خبر بازداشت فعالان اهوازی، هویت برخی از بازداشت‌شدگان را حسن بترانی، یونس صرخی، ولید سواری، محمد عبیداوی، عیسی زابیری، عبدالله کریم چلداوی، جعفر کریم چلداوی، صالح تامولی اعلام کردند. لازم به یادآوری است علاوه بر افراد نامبرده، در هفته‌های اخیر تعداد دیگری از شهروندان عرب اهل مناطق جنوبی خوزستان نیز در پرونده‌هایی غیرمرتبط بازداشت گشته که برخی از آنان با قید وثیقه آزاد شده‌اند. علاوه بر آن ده‌ها فعال عرب پس از احضار به نهادهای امنیتی و پس از تهدید و اخذ تعهد مبنی بر عدم شرکت در تجمعات اعتراضی آزاد شدند.

تجمع جوانان در مقابل فرمانداری خرمشهر در اعتراض به بیکاری



مشکلات کارگری و دغدغه های دانشجویی

بخشی از بیانیه انجمن فرهنگ و سیاست: انجمن فرهنگ و سیاست دانشگاه زنجان تشکلی بر خاسته از میان دانشجویان است... بحران رکود در صنعت و تولید و کارخانه‌ها؛ تنها به سیاست‌های یک دولت یا دو دولت باز نمی‌گردد و مربوط به سیاست‌های کلی نظام در چهار دهه حیات جمهوری اسلامی می‌شود. پیرو ادامه مقاومت‌ها و اعتراضات و تجمعات اقصای مختلف کارگری، دانشجویی، معلمی و ... در برابر فشارهای معیشتی و اقتصادی قرارمان بر آن است که در راستای حمایت از اقصای آسیب پذیر جامعه گام برداریم. و از آنها حمایت نماییم و برای برقراری «عدالت اجتماعی» تلاش کنیم. تا روزی برسد که عدالت برای همه ایرانیان برقرار گردد. بر خود لازم دانستیم تا بر شما اعلام داریم در همین راستا برنامه ای با موضوع (پیوند مشکلات کارگری و دغدغه های دانشجویی) توسط انجمن فرهنگ و سیاست دانشکده فنی مهندسی زنجان برنامه ریزی شده بود که توسط هیئت نظارت دانشگاه مجوز نگرفت و رد شد... تنگ نظری به موضوعات اقصای آسیب پذیر رسیده و با برنامه ای با موضوع مشکلات کارگران و پیوند آن با دغدغه های دانشجویان... مخالفت می‌کنند. مخالفت با حضور فعالین کارگری، فعالینی که برای بهبود وضعیت زندگی آسیب پذیر ترین قشر جامعه تلاش می‌کنند موجب بهت و حیرت‌مان شد. خواستیم صدای قشر زحمتکش و مولد سرمایه کشور را به گوش دانشجویان برسانیم، نگذاشتند. امروز در حالی آمده رسیدن چهلمین بهار انقلاب مستضعفان هستیم که نسبت به زنده بودن نام مستضعفان در آن تردید داریم... اعلام می‌داریم که شیوه برخورد با فعالان مدنی و اجتماعی و صاحب نظران و اساتید، بسیار سخت، خشن و نگران کننده است که نهایتاً حاصلی جز امنیتی تر شدن فضای جامعه و حاکمیت جو خفقان و دلسردی در میان دانشجویان حاصل دیگری در بر نداشته و آینده کشور را به بن بست خواهد کشاند.

دانشجوی ستاره دار سیاسی نداریم!!!

وزیر علوم، تحقیقات و فناوری گفت: در میان دانشجویان ستاره دار، اشخاصی با مشکل سیاسی یا گرایش و اقدامات سیاسی وجود ندارد چرا که مسایل سیاسی در گزینش دانشجو مطرح نمی‌شود. تحصن مهدیه گلو و مجید دری در مقابل وزارت علوم در اعتراض به اظهارات دکتر غلامی در مورد عدم وجود دانشجوی ستاره دار. مجید دری، فعال دانشجویی سابق دانشگاه علامه طباطبایی صبح امروز در مقابل وزارت علوم تحصن کرده بود. وی در گفت‌وگو با امتداد گفت: این مشکل ما ۱۰ سال است که ادامه دارد. سال ۸۶ در دوره آقای احمدی‌نژاد ما در دانشگاه علامه محروم از تحصیل شدیم و تا سال ۸۸ ادامه پیدا کرد. سال ۸۸ که زمان دستگیری ما بود و زندان تا سال ۹۳ ادامه داشت. سال ۹۳ پس از بازگشت بنده مدارکی به وزارت علوم ارائه دادم تا غیبتی که برای من لحاظ می‌شود موجه تلقی شود. اما ظاهراً در زمانی که بنده زندان بودم، من را اخراج کرده بودند با این عنوان که غیبت غیر موجه داشته است. ما مدارک زندان را ارائه کردیم منتهی هیچ خبری نشد و طی دوره‌های متفاوت با افراد مختلفی حرف زدیم و هر کدام یک راهی را پیشنهاد کردند از جمله پیام‌نور و دانشگاه آزاد و هر جای دیگر که همه این کارها را کردیم اما هیچ کدام نتیجه‌ای نداشت. امروز دلیل اصلی من برای آمدن مقابل وزارت علوم مصاحبه وزیر علوم است که گفته‌اند ما دانشجوی ستاره دار، محروم از تحصیل و از این دست موارد نداریم. مجید دری با تاکید بر دلیل حضورش مقابل وزارت علوم و تحصن، افزود: من الان آدمم بی‌رسم معنای اینکه ضیا نبوی ۸ سال است که در زندان است و ستاره دار چیست؟ معنای اینکه من ۱۰ سال است که نمیتوانم درس بخوانم چیست؟! دری ضمن اشاره به این موضوع که مسئولین ذی ربط می‌گویند ستاره دارها می‌توانند به دانشگاه برگردند، گفت: با وجود موافقت وزیر و سایرین پس چرا من نمیتوانم به دانشگاه برگردم؟ من به اینجا آمدم تا جواب سوال‌هایم را بگیرم. به اینجا آمدم تا بگویم ما محروم از تحصیل هستیم و همچنان این روند ادامه دارد.

طرح کارورزی: کارآفرینی یا ارزان سازی نیروی کار

بیکاری به عنوان یکی از معضلات اساسی جامعه و اقتصاد بحران زده ی کشور همواره مطرح بوده است. در دهه های اخیر با افزایش شمار فارغ التحصیلان بیکار... در دولت یازدهم مقرر گردید با بهره گیری از تجارب خارجی کارآموزی و تکمیل و رفع نواقص طرح های داخلی برنامه جامعی برای اشتغال دانش آموختگان طراحی شود... در نهایت خارج کردن طرح کارورزی از شمولیت قانون کار و تامین اجتماعی به نوعی نقض قوانین حمایتی و حداقلی از نیروی کار محسوب میشود که ارزان سازی نیروی کار و تبدیل کردن کارورز به نیروی کار ارزان پیامد آن میباشد. این ارزان سازی با امکان جایگزینی کارورز تحصیل کرده به جای کارگران تهدیدی برای این قشر قلمداد شده، امنیت شغلی کارگران را به مخاطره انداخته و میان کارورز و کارگر رقابت و تضاد ایجاد میکند. از سوی دیگر کارفرمایان هیچ حق الزحمه ای به کارورز نمیدهند و... معافیت های بیمه ای که برای تشویق کارفرمایان و واحدهای پذیرنده در نظر گرفته شده تردیدهایی در خصوص جامعه هدف طرح ایجاد گردیده و همچنین انتقادهایی از سوی دانشجویان، متخصصان و پژوهشگران حوزه کار نسبت به کارورزی به عنوان یک سیاست نئولیبرالستی در جهت ادغام هر چه بیشتر در نظام بازار جهانی مطرح شده که بررسی بیشتر در این خصوص را می‌طلبد. فرشته رضایی شماره اول نشریه «ترنج» شورای صنفی دانشگاه خوارزمی